

«ارزیابی ارتباط آیه پانزدهم سوره احقاف با تولد امام حسین علیه السلام»

عباس اسمعیلی زاده

علمی - پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال بیست و یکم، شماره ۸۱ «ویژه باور شناخت»، زمستان ۱۴۰۲، ص ۹-۳۱

«ارزیابی ارتباط آیه پانزدهم سوره احقاف با تولد

امام حسین علیه السلام»*

عباس اسمعیلی زاده^۱

مرجانه فتحی طرقله (نویسنده مسئول)^۲

چکیده

آیه پانزدهم سوره احقاف از جمله آیاتی است که در جهت اثبات شش ماه بودن اقل مدت حمل، غالباً مورد استناد عالمان اسلامی بوده است. اما چالش‌های مختلفی همچون سی ماه نبودن دوران حمل و شیردهی همه انسانها، عدم کراهت مادران از حمل و وضع فرزندان، و... پذیرش این دیدگاه را با مشکل مواجه کرده است. از همین رو برخی مفسران، با عهد دانستن «ال» در «الانسان» مراد آیه را انسانی خاص دانسته‌اند. پژوهش حاضر که به روشی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای سامان یافته است ضمن موافقت با خاص بودن مراد این آیه، پس از رد دلایل کسانی که «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» (ابوبکر) یا «سعد بن ابی وقاص» را مصداق آیه معرفی کرده‌اند، به استناد روایات صحیح و کثیرالنقل موجود معتقد است که نزول آیه در مورد امام حسین علیه السلام قابل قبول تر می‌نماید. بر این اساس نه تنها ظواهر الفاظ موجود در آیه مطابق با وقایع عمر ایشان می‌باشد، بلکه این دیدگاه با سیاق آیه، آیات و سوره نیز تایید می‌گردد.

واژگان کلیدی: آیه ۱۵ احقاف، تولد امام حسین علیه السلام، اقل مدت حمل، دوران حمل و

شیردهی، کراهت از حمل و وضع.

* دریافت: ۱۴۰۷/۰۲/۱۹؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰.

۱. دانشیار گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد،

esmaelizadeh@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد-ایران، fathitorghabeh@mail.um.ac.ir

طرح مسأله

در آیه پانزدهم سوره احقاف می‌خوانیم: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَوَضَعُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ». این آیه از جهاتی چند، مورد توجه مفسران و پژوهشگران قرآنی قرار گرفته است، از جمله: اثبات شش ماه بودن اقل مدت حمل بوده که آن را با کنار هم گذاشتن این آیه با آیه ۲۳۳ بقره و کسر و انکسار مدت مذکور در آن‌ها به دست می‌آورند. (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۲۰۱؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۷، ص ۳۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۰۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۱۷۵). این تفسیر در ضمن روایاتی به امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام نسبت داده شده که با استدلال به این آیات، زنی که در شش ماهگی ازدواج برادر شده بود، از حکم رجم خلیفه دوم نجات یافت. (از جمله نک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۰؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۳)

با وجود این، پیگیری بیشتر سخنان مفسران در تفسیر آیه مورد نظر و تدبر در آن برای بررسی امکان حمل آن بر معنای وارد در روایات سابق الذکر، ما را به تأملاتی وامی‌دارد که براساس آن‌ها قبول این رأی مشهور را دشوار می‌نمایاند، زیرا مبنای این دیدگاه آن است که «الانسان» در این آیه جنس انسان است و به تبع آن، آیه از واقعیتی سخن می‌گوید که اگر نگوییم درباره همه انسان‌ها، باید گفت درباره اکثر انسان‌ها رخ می‌دهد.

چه بسا وجود چنین اشکالاتی درباره آیه، برخی مفسران را بر آن داشته که به وجوب حمل آیه بر یک شخص حکم کنند و افرادی همچون «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» (سیوطی، ۲۰۰۷م، ۲۳۶)، «ابوبکر» و «سعد بن ابی وقاص» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۱۸؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۹۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۲۵۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۱۱؛ جرجانی، ۱۳۷۸ش، ج ۹، ص ۹۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۰۷؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۹) را به عنوان مصدیق آن معرفی کنند که به بطلان آنها اشاره خواهد شد.

در این میان مطالعه روایات شأن نزول آیه در مجامیع روایی و کتب تفسیری نشان

می‌دهد که مطابق این روایات، مراد از انسان مذکور در آیه که حمل و فصالش سی ماه بوده، امام حسین (ع) است. (برای نمونه ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۴). از یک سو نظر اجمالی به سند این روایات - گذشته از مصدر برخی از آنها که کتاب الکافی است - نشان می‌دهد که راویان آنها مشتمل بر جمعی از بزرگان است. از سوی دیگر کثرت نقلی که در تتبع مضمون روایت در سایر کتب روایی مشاهده می‌شود، چنان که به تفصیل خواهد آمد، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۴ (دو روایت)؛ قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۲۹۷؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۶۱؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۰۵؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۵۵ و ۵۶ (سه روایت)؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۶۲ و برخی دیگر) مانع از آن می‌شود که بی‌توجه از کنار این احتمال گذشت و آن را مورد واکاوی قرار نداد.

همچنین پرواضح است که به صرف بیان اشکالات وارد بر دیدگاه مشهور، نمی‌توان احتمال مقابل و عهد دانستن «ال» و به دنبال آن نزول آیه در شأن امام حسین (ع) را پذیرفت، زیرا علاوه بر لزوم بررسی دقیق روایات موجود در این زمینه، حمل آیه بر این احتمال و اشاره به قضیه خارجی دانستن آن نیز دشواری‌هایی دارد که برخی از آن‌ها از نظر مفسرانی دور نمانده است: عام بودن سیاق آیات به ویژه آیه شانزدهم احقاف، چگونگی تطبیق «حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» بر وقایع عمر شریف امام حسین (ع)، مکی بودن سوره احقاف و ولادت امام حسین (ع) در مدینه.

به هر روی برآنیم در این نوشتار با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی همه‌جانبه این مسأله و ذکر دو دیدگاه مطرح و واکاوی ادله هر یک پردازیم تا دیدگاه صحیح در این باب را با سنجه علمی مشخص کنیم. روشن است که در صورت اثبات نزول آیه درباره امام حسین (ع) این دیدگاه در تعارض کامل با مسأله شش ماه بودن اقل مدت حمل است. لکن به نظر می‌رسد بررسی و ارائه راه حل احتمالی رفع این تعارض، کار مستقل دیگری را می‌طلبد که خارج از حوصله این نوشتار است؛ گرچه در این زمینه مقاله ارزشمندی نیز با عنوان «پژوهش درباره اقل مدت حمل در قرآن» به خامة سید محمدرضا صفوی وجود دارد.

۱- بررسی دیدگاه مشهور: حمل آیه بر جنس انسان

چنانکه گذشت، اکثر مفسران آیه پانزدهم احقاف را مربوط به جنس انسان دانسته‌اند. آنان این آیه را که در آن مدت زمان بارداری و شیر خوردن سی ماه ذکر شده در کنار آیه ۲۳۳ بقره نهاده‌اند که مطابق آن، مدت شیر خوردن دو سال است. آنگاه با کسر و انکسار دو مدت مذکور از هم، شش ماه بودن اقل مدت حمل را نتیجه گرفته‌اند. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۱۷۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۲۰۱؛ زمخسری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۰۳؛ طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۱۲، ص ۱۴۵؛ طوسی، بی‌تا، «الف»، ج ۹، ص ۲۷۴؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۹۷؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۴۰؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۷، ص ۳۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۵۸؛ شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۲، ص ۷۷؛ برسوی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۷۳؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۲۸؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۹۵؛ ابوالفتوح‌رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۲۵۷؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۹۵؛ محلی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۸۸؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۱۱؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۰۷؛ مغنیه، ۱۳۷۸ش، ج ۷، ص ۸۲؛ قرآنی، ۱۳۸۸ش، ج ۹، ص ۳۲)؛ حال آنکه علی‌رغم وجود گرایش حداکثری به این دیدگاه، وجود چالش‌هایی چند، پذیرش آن را با مشکل مواجه می‌کند که در ادامه از نظر خواهد گذشت.

۱-۱. چالش اول: مخالفت با سیاق قرآن

در این دیدگاه مشهور، اکثر مفسران، مراد از واژه «کُرهًا» در آیه مورد نظر را «مشقت» یا مشقت‌های همراه با اکراهی می‌دانند که مادر در طول حمل و شیردهی متحمل می‌شود (همان‌ها). اما این معنا، مخالف با سیاق آیاتی از قرآن کریم است؛ از جمله این آیات می‌توان به آیه «كُنِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَ...» (بقره: ۲۱۶) اشاره کرد که در آن واژه «کُره» به وضوح در مقابل «حُب» و «دوست داشتن چیزی» به کار رفته است؛ بنابراین به روشنی قابل برداشت است که مراد از آن، نه «مشقت»، بلکه «کراهت و ناخوش داشتن» است. همچنین خود قرآن کریم برای اشاره به مشقت و زحمت در آیه «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (طه: ۲) از واژه «تشقی» استفاده می‌کند که این مسئله متفاوت بودن استعمال قرآنی دو واژه «مشقت» و «کُره» را نشان می‌دهد؛ هرچند که مشقت گاهی یا اغلب موارد با اکراه همراه است.

به علاوه بر طبق دیدگاه مشهور، آیه مورد بحث مطلقاً اشاره می‌کند که مادر در دوران حمل و شیردهی - از ابتدا تا انتها - مشقت و کراهت یکسانی را متحمل می‌شود؛ «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا»؛ حال آنکه در آیاتی همچون «فَلَمَّا تَعَشَا حَمَلَتْ خِفًا فَمَرَّتْ بِهِ...» (اعراف: ۱۸۹) و «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَ...» (لقمان: ۱۴) بر خلاف این امر بیان شده که در ابتدای حمل، مشقت و ضعف چندانی وجود نداشته و بعد از بزرگ شدن جنین و سنگین شدن مادر، این سختی برای وی بیشتر می‌شود. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۱۰۳)؛ چنانکه این مسئله مطابق واقع نیز هست و به طور معمول ایام بارداری اینگونه است.

به دلیل وجود همین تعارض است که برخی طرفداران این دیدگاه، با نادیده گرفتن مدعای خود یعنی اطلاق آیه مورد بحث، چنین زبان به توجیه گشوده‌اند که مراد از مشقت مورد اشاره در آیه، ابتدای حمل نیست و منظور زمانی است که جنین بزرگ و سنگین می‌شود. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۲۸؛ حائری طهرانی، ۱۳۳۸ش، ج ۱۰، ص ۱۱۸) حال آنکه اگر غرض آیه مورد بحث، چنین مسأله‌ای بود، در آن نیز همچون دو آیه مذکور، باید این مسئله مورد اشاره قرار می‌گرفت. برخی دیگر نیز در توجیه این مطلب به بیراهه رفته و سخن به اطاله باز کرده و به شرح غیرضروری و چه بسا نادرست تغییرات درونی بدن مادر از زمان لقاح تا پایان حمل پرداخته‌اند، (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۷، ص ۳۲) که این مسئله نیز قابل قبول نیست؛ چون آیه مورد نظر مشقت‌های زمان تشکیل لقاح را چنانکه این مفسر پنداشته در برنمی‌گیرد و مربوط به مطلق دوران حمل، یعنی از ابتدای تشکیل جنین تا زمان وضع آن است.

همچنین پذیرش عام بودن آیه، آن را در تعارض با آیاتی قرار می‌دهد که بیان می‌کنند مدت شیردهی دوسال است (لقمان: ۱۴) یا دو سال باید باشد (بقره: ۲۳۳)؛ زیرا به طور معمول مدت حمل انسانها، نُه ماه طول می‌کشد. بنابراین مدت زمان شیرخوارگی برخلاف آیات مزبور کمتر از دو سال خواهد بود. اگرچه استثناهایی نیز در مدت زمان حمل وجود دارد، اما این موارد «النادر کالمعدوم» است و نمی‌توان آنها را مشمول حکم عام آیه دانست.

بنابراین با یقین به علم الهی، نمی‌توان پذیرفت که مراد خداوند از مدت زمان سی ماه، همه انسانها بوده است، با وجود تفاوت در احوالی که دارند که گاهی زمان حمل کمتر و گاهی زیادتر از میزان معمول است، مگر اینکه این آیه در مورد شخص خاصی نازل شده باشد. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۲۸)

از همین رو، اکثریت قریب به اتفاق قرآن پژوهان، با استناد به روایاتی چند، که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، این تعارض را این گونه حل و فصل کرده‌اند که این آیه در مقام بیان اقل مدت حمل و حداکثر زمان شیردهی است؛ حال آنکه این آیه، بنابر این دیدگاه عام بوده و هیچ قیدی که از آن اقل مدت حمل یا حتی اکثر مدت حمل برداشت شود، به چشم نمی‌خورد.

۱-۲. چالش دوم: مخالفت با سیاق آیه

پذیرش دیدگاه مشهور و جنس دانستن «الانسان» در آیه مزبور، اقتضای می‌کند که بخش‌های دیگر آن نیز، اگر نگوییم در مورد همه انسانها، حداقل در مورد اکثریت آنها صادق باشد. به عبارت دیگر، بر اساس این دیدگاه؛

اولاً مدت حمل و شیردهی هر انسان یا اکثر انسان‌ها باید سی ماه باشد: «وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» که عدم صحت این مسئله مورد اشاره قرار گرفت.

ثانیاً همه یا اکثر آنها در زمان تکامل و در سن چهل سالگی؛ «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» قائل به این دعا باشند که: «رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَ...» (احقاف: ۱۵) که نادرست بودن این مساله نیز کاملاً روشن است. به همین دلیل مفسران بر خلاف ظاهر سیاق و دلالت صریح لفظ آیه، چنین به توجیه دیدگاه خود پرداخته‌اند که مراد از «أَرْبَعِينَ سَنَةً» در این آیه صرفاً مصداقی برای نهایت و غایت بلوغ و رشد است که در آن همه قوای انسان اعم از عقل، فهم و حلم کامل می‌شود؛ مرحله‌ای در زندگی، که انسان در بالاترین حد، از نظر استحکام قوای بدنی و نفسی قرار دارد و در زندگی فردی و اجتماعی به استقلال می‌رسد و مرحله کامل «بلوغ اشد» است که در این آیه مورد اشاره قرار می‌گیرد، (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۷، ص ۳۵؛ محلی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۷؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق،

ج ۷، ص ۲۵۹؛ طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۱۲، ص ۱۴۵؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ص ۱۵۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۱، ص ۳۲۸)، حال آنکه نه تنها ظاهر عبارت «أُزْبِعِينَ سَنَةً» به وضوح در چهل سالگی صراحت دارد، بلکه طرفداران این دیدگاه، عملاً با این توجیه، بر خلاف نص قرآن، به نوعی دو عبارت «أُزْبِعِينَ سَنَةً» و «بَلَغَ أَشُدَّهُ» را یکی پنداشته‌اند.

بعلاوه اگر بپذیریم که خداوند هیچ دعایی را در قرآن گزارش نمی‌کند مگر آنکه آن را به اجابت رسانده (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۸۱)، این قول جایی نخواهد داشت که در این آیه خداوند به انسان سفارش می‌کند که وقتی به «بلوغ اشدد» رسید او را با این دعا و به صورتی که در آیه ذکر شده بخواند. (طوسی، بی تا، «الف»، ج ۹، ص ۲۷۵). افزون بر آن براساس این مبنا، باید این دعا در حق اکثر انسان‌ها مستجاب شده باشد (صفوی، ۱۳۸۹ش، ص ۶۶) و همه انسانها اهل شکرگزاری، اعمال و فرزندان صالح و مسلمان باشند. اما چنانکه آیات بسیاری از قرآن کریم تصریح می‌کند، عیناً شاهد گروه‌های فاسق و کافر و بی‌ایمان و... هستیم و تحقق این دعا در عالم واقع وجود ندارد.

۱-۳. چالش سوم: عدم دلالت مستند روایی بر اقل مدت حمل

چنانکه بیان شد، دلالت آیه مورد بحث بر اقل مدت حمل و حداکثر زمان شیردهی در دیدگاه مشهور، به استناد روایاتی بیان شده است. در برخی از این روایات، اشاره شده که با استدلال به آیه مذکور و آیه ۲۳۳ سوره بقره، زنی که مدت زمان حملش شش ماه بوده، از حکم رجم خلیفه نجات یافته است. بعضاً برخی از این روایات از نظر خواهد گذشت:

الف - «قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ يَسَّارٍ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قُسَيْطٍ، عَنْ بَعْجَةَ بِنْتِ عَبْدِ اللَّهِ الْجُهَنِيِّ قَالَ: تَزَوَّجَ رَجُلٌ مِنَّا امْرَأَةً مِنْ جُهَيْنَةَ، فَوَلَدَتْ لَهُ لِتَمَامِ سِنَةِ أَشْهُرٍ، فَأَنْطَلَقَ زَوْجُهَا إِلَيَّ عُثْمَانَ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ، فَبَعَثَ إِلَيْهَا... فَلَمَّا أَتَيْتُ بِهَا عُثْمَانُ أَمَرَ بِرَجْمِهَا، فَبَلَغَ ذَلِكَ عَلِيًّا فَأْتَاهُ، فَقَالَ لَهُ: مَا تَصْنَعُ؟ قَالَ: وَوَلَدَتْ تَمَامًا لِسِنَةِ أَشْهُرٍ، وَهَلْ يَكُونُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ لَهُ: أَمَا تَقْرَأُ الْقُرْآنَ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ: أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾ وَقَالَ: ﴿حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ﴾، فَلَمْ نَجِدْهُ بَقِيَ إِلَّا سِنَةَ أَشْهُرٍ، قَالَ: فَقَالَ عُثْمَانُ: وَاللَّهِ مَا فَطِنْتُ لِهَذَا، عَلِيٌّ بِالْمَرْأَةِ...» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۲۹۳)

ب- «رُوي عن يونس عن الحسن أن عمر أتى بامرأة قد ولدت لستة أشهر، فهم برجمها. فقال له أمير المؤمنين عليه السلام: إن خاصمتك بكتاب الله خصمتك. إن الله عز اسمه يقول: وحمله و فصاله ثلاثون شهرا. ويقول تعالى: والوالدات يرضعن أولادهن حولين كاملين لمن أراد أن يتم الرضاعة. فإذا تمت المرأة الرضاعة سنتين وكان حمله و فصاله ثلاثين شهرا، كان الحمل منها ستة أشهر. فحلى عمر سبيل المرأة وثبت الحكم بذلك، يعمل به الصحابة والتابعون ومن أخذ عنه إلى يومنا هذا» (مفيد، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۶)

ج- «وأخرج عبد الرزاق، وابن المنذر، عن نافع بن جبير أن ابن عباس أخبره قال: إني لصاحب المرأة التي أتى بها عمر وضعت لستة أشهر، فأكثر الناس ذلك. فقلت لعمري: لم تظلم؟ قال: كيف؟ قلت: اقرأ: ﴿وحمله و فصاله ثلاثون شهرا﴾، ﴿والوالدات يرضعن أولادهن حولين كاملين﴾ كم الحول؟ قال: سنة. قلت: كم السنة؟ قال: اثنا عشر شهرا. قلت: فأزبغة وعشرون شهرا حولان كاملان، ويؤخر الله من الحمل ما شاء ويقدم. قال: فاستراح عمر إلى قولي» (سيوطي، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۰)

فارغ از مناقشات سندی پیرامون این روایات، چنانکه مشخص است از نظر دلالتی نیز همچون دیگر موارد مشابه (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۰، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ۳۷۵ و ۳۶۱)، دچار آسیب اختلاف نقل شده اند. برخی، استدلال به آیه مذکور و آیه ۲۳۳ سوره بقره برای اثبات احتمال شش ماهه بودن مدت حمل را در زمان عمر یا عثمان معرفی کرده و دسته‌ای نیز حل مشکل پیش آمده را توسط حضرت علی عليه السلام یا ابن عباس گزارش می‌کنند.

به علاوه این روایات را نمی‌توان دلیل آن دانست که آیه مورد بحث بر حداقل میزان حمل انسان‌ها یعنی شش ماه دلالت دارد؛ چون آیه مذکور به روشنی ظهور در آن دارد که مجموع مدت حمل و شیردهی سی ماه است. در تفکیک مدت زمان هر یک از این دو، احتمالات بسیاری وجود دارد، از جمله احتمالی که در روایات مذکور به آن اشاره شده است؛ یعنی شش ماه دوره حمل و بیست و چهار ماه دوره شیردهی (صفوی، ۱۳۸۹، ص ۷۲)؛ چنانکه در گروه دیگری از احادیث مورد استناد طرفداران دیدگاه مشهور نیز به بیان احتمالات دیگر در این زمینه پرداخته شده است. در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره خواهد شد:

الف- «وَأَخْرَجَ سَعِيدِ بْنِ مَنْصُورٍ وَعَبْدِ بْنِ حَمِيدٍ وَابْنِ أَبِي حَاتِمٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: إِذَا وَلَدَتِ الْمَرْأَةُ لِتِسْعَةِ أَشْهُرٍ، كَفَّاهَا مِنَ الرَّضَاعِ أَحَدٌ وَعِشْرُونَ شَهْرًا. وَإِذَا وَلَدَتِ لِسَبْعَةِ أَشْهُرٍ، كَفَّاهَا مِنَ الرَّضَاعِ ثَلَاثَةٌ وَعِشْرُونَ شَهْرًا. وَإِذَا وَضَعَتْ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ، فَحَوْلِينَ كَامِلِينَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۰)

ب- «رَوَى الْوَاحِدِيُّ فِي «التَّبْسِيطِ» عَنِ عِكْرَمَةَ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا حَمَلَتْ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ أَرْضَعَتْهُ أَحَدًا وَعِشْرِينَ شَهْرًا، وَإِذَا حَمَلَتْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَرْضَعَتْهُ أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ شَهْرًا» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۱۷)

ج- «رَوَى عِكْرَمَةُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِذَا حَمَلَتْ الْمَرْأَةُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ أَرْضَعَتْ إِحْدَى وَعِشْرِينَ شَهْرًا، وَإِذَا حَمَلَتْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَرْضَعَتْ أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ شَهْرًا» (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۹۵)

صرف نظر از بحث سندی، تأمل در متن این دسته از روایات نیز نشان می‌دهد که عبارت «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» حکمی انشایی تلقی شده و لذا در آن‌ها با توجه به غیراختیاری بودن مدت حمل، مدت‌های مختلفی برای شیردهی معرفی گردیده است. بنابراین به استناد این روایات، به عنوان مثال، اگر مادری به طور معمول فرزند خود را پس از نه ماه به دنیا آورد، باید صرفاً بیست و یک ماه به او شیر دهد و بیش از آن مجاز به این کار نیست. حال آن‌که این مسأله اولاً با آیه ۲۳۳ بقره که به دو سال شیردهی به طور کامل امر می‌کند در تضاد است، ثانیاً با روایاتی که کمتر از بیست و یک ماه شیردهی را مجاز نمی‌داند و آن را اجحاف در حق کودک معرفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۷۵)، نیز تعارض آشکار دارد. بنابراین هیچ یک از این دو دسته روایات نمی‌توانند مستندی بر عمومیت آیه و دلالت آن بر اقل میزان مدت حمل باشند.

۴-۱. چالش چهارم: مغایرت معنای اتخاذ شده برای واژه «کره» در دیدگاه مشهور

با ریشه لغوی آن

واژه «کره» در قرآن کریم به دو صورت فتح و ضم کاف به کار رفته است. اما در مورد تفاوت این دو واژه و معنای آنها اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. برخی این دو را یکی

پنداشته‌اند که به دلیل اختلاف در نقل، به دو صورت ذکر شده‌اند. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰۶؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۳۲؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۳۵۹). این کلمه معانی همچون مکروه (همان‌ها)، ناپسند داشتن و امتناع (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۰۶) دارد. ابن فارس نیز این واژه را دارای یک اصل صحیح می‌داند که معنایی خلاف محبت و رضایت را می‌رساند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۷۲)

برخی دیگر نیز میان این دو واژه، تفصیل قائل شده و معنای «گره» را مشقت و «گره» را قهر، یا برعکس دانسته‌اند. (فیومی، ۱۴۱۴ق، ۵۳۲/۲). همچنین گفته شده که «گره» یعنی مشقتی که از خارج وجود انسان به وی رسیده و آن را با تنفر و بی‌میلی تحمل می‌کند؛ ولی «گره» سختی ورنجی است که از ذات انسان به او سرایت کرده و او را آزرده می‌سازد. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰۶). از این رو اکثر مفسران چنان که به آن اشاره شد، مشقت همراه با اکراه را به عنوان معادلی برای این واژه در آیه مذکور در نظر گرفته و به این ترتیب بر دیدگاه خود مبنی بر مطلق بودن مشقت در دوران حمل و وضع همه مادران صحه گذارده‌اند.

مصطفوی، اصل واحد در این کلمه را معنای مقابل اراده؛ یعنی طلب همراه با اختیار و انتخاب، معرفی کرده است. وی مفاهیمی را از آثار این اصل معنایی می‌داند، همچون مشقت، قباح، مخالف رضایت و محبت که برای این واژه در کتب لغت ذکر شده است. چون وقتی کسی، چیزی را اراده و اختیار نکند، به این معنی است که آن را دوست نداشته و به آن راضی نیست. (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۰، ص ۵۰). حال آنکه توجه به این اصل معنایی در آیه مورد بحث، دیدگاه مشهور را بار دیگر با چالش مواجه می‌کند؛ چون بر اساس آن، آیه مزبور این معنا را می‌رساند که اکثر یا همه مادران، از حمل و وضع فرزندانشان اکراه داشته و آن را دوست ندارند؛ امری که در خلاف واقع بودنش شکی نیست. به همین دلیل مصطفوی در ادامه اشاره می‌کند که معنای اصل در مورد آیه مذکور صادق نیست. (همان، ص ۵۲) در صورتی که به نظر می‌رسد معنای مشقت همراه با اکراه، در دیدگاه مشهور معادل مناسبی برای این واژه نیست و پذیرش اینکه تنها در آیه مزبور، این واژه دارای معنایی متفاوت از دیگر استعمالات قرآنی مانند آیه ۲۱۶ سوره بقره دارد، کمی مشکل می‌نماید.

۲- بررسی نزول آیه در مورد سعدبن ابی وقاص

با توجه به چالش‌های پیش‌گفته، این احتمال بسیار تقویت می‌شود که «ال» در انسان، عهد بوده و آیه مورد بحث در مورد فردی خاص نازل شده است؛ چنان که بسیاری از دانشمندان اسلامی نیز بر این مسئله تصریح کرده‌اند. با این وجود در تعیین این فرد یا گروه خاص، اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی به استناد قولی از «سدی» و «ضحاک»، نزول این آیه را درباره «سعدبن ابی وقاص» دانسته‌اند (بعوی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۹۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۲۵۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۱۱؛ جرجانی، ۱۳۷۸ش، ج ۹، ص ۹۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۰۷). بطلان این سخن واضح‌تر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد؛ چون اولاً هیچ یک از ویژگی‌های مورد اشاره در آیه مورد بحث در مورد وی صادق نیست، ثانیاً اگر آیه در مورد وی نازل شده بود، بنا بر دلایل پیش‌گفته، باید ذریه وی در زمره نیکان قرار می‌گرفت؛ حال آنکه فرزند وی، «عمر سعد»، فرمانده سپاه کوفه در واقعه کربلا بوده است. شاید از همین روی، این مفسران صرفاً به صورت یک احتمال به این امر اشاره کرده‌اند و برخی دیگر نیز، ضمن اشاره به این مسئله، نزول آیه در مورد افراد دیگری را که در ادامه اشاره خواهد شد، صحیح‌تر دانسته‌اند. (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۴۱۵؛ رسعنی، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۲۱۸)

۳- بررسی نزول آیه در مورد پیامبر ﷺ

سیوطی در قولی بسیار شاذ، به نقل از کرمانی مراد از «انسان» را شخص رسول خدا ﷺ معرفی کرده است. (سیوطی، ۲۰۰۷م، ص ۲۳۶). اما به دلیل آیات بسیاری که در مورد پیامبر اکرم (ک) نازل شده است، خصوص آیه مذکور در مورد آن حضرت ﷺ قابل پذیرش نیست؛ چون بجز رسالت پیامبر ﷺ که در چهل سالگی روی داد، هیچ شاهد دیگری که صادق بودن دیگر بخش‌های آیه در مورد پیامبر ﷺ را نشان دهد، مانند حمل و وضع همراه با کراهت و تولد در شش ماهگی، در دست نیست.

۴- بررسی نزول آیه در مورد ابوبکر

دیدگاه دیگری که بیش از نظرات پیشین طرفدار دارد، نزول آیه مورد نظر در مورد ابوبکر است

(فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۱۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۱۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۰۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۹۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۲۵۷؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۹). حتی برخی در این زمینه گفته‌اند: «... معلوم است که (در آیه مورد بحث) شخص مخصوص منظور است و چون در آیه بعد گفته شده است: «تَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا...» باید مقصود، اشرف اصحاب پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد که علی یا ابوبکر باشند و چون مناسب با سنین عمر آن روز، علی عَلِيٌّ نبوده، پس برای ابوبکر نازل شده است». (عاملی، ۱۳۶۰ش، ج ۷، ص ۵۲۸). اما این نظریه نیز با اشکالات متعددی مواجه است.

یکم. ایمان آوردن ابوبکر در سن چهل سالگی و تطبیق «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» بروی (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۱۱؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۹)؛ در صورتی که این مساله مورد اختلاف است و برخی ایمان آوردن او را در هنگام بعثت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در سی و هشت سالگی دانسته‌اند. اینان در تطبیق این فراز قرآنی در مورد ابوبکر، مغایر با گروه قبل، بیان می‌کنند که او در سن ۳۸ سالگی ایمان آورده، ولی در سن چهل سالگی به بیان دعای مذکور در آیه مورد بحث پرداخته است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۱۷۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۰۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۹۵).

دوم. گفته‌اند: در میان صحابه و مهاجرین، تنها کسی که در مورد اسلام آوردن والدین و فرزندان اتفاق نظر وجود دارد، ابوبکر است. بنابراین فراز «أَنَّ أَشْكَرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ» در آیه مورد بحث مطابقت کامل با وی دارد. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۱۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۱۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۰۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۹۵؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۹۵)؛ اما فارغ از فرزندان وی، اگر این آیه درباره وی نزول پیدا کرده بود، بر اساس نص صریح این بخش از آیه، پدر و مادر وی نیز باید در هنگام درخواست این دعا مسلمان بوده باشند؛ حال آنکه به گواهی برخی از بزرگان اهل سنت، آنان بعد از فتح مکه، مسلمان شده‌اند. بدین روی، این توجیه که دعای ابوبکر، درخواست از خداوند برای توفیق دادن به پدر و مادرش در اسلام آوردن بوده (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۱۷۶) بر خلاف مضمونی است که آیه به روشنی در آن ظهور دارد.

سوم. این شأن نزول را در روایتی به حضرت علی (ع) نسبت داده اند: «قال علی (ع): هذه الآية نزلت في أبي بكر، أسلم أبواه جميعاً، ولم يجتمع أحد من الصحابة والمهاجرين أبواه غيره، وأوصاه الله بهما» (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۱۱؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۹۵)؛ اما با تفحص در منابع روایی شیعه، چنین روایتی یافت نشد و چه بسا باید آن را از جمله احادیث مختلفی که به شمار آورد که در مورد فضایل خلیفه اول وضع شده است.

چهارم. اگر بر فرض محال تمام ادله اهل سنت در مورد اختصاص این آیه به ابوبکر را بپذیریم، باز هم این چالش باقی خواهد ماند که بر اساس کدام ادله و مستند، فراز «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» بر ابوبکر صدق می‌کند؟ به عبارت دیگر، مستندی که حمل و وضع با اکراه وی یا حتی سی ماه بودن مدت حمل و شیرخوارگی او را ثابت کند، وجود ندارد؛ زیرا اگر اهل سنت چنین ادله‌ای در اختیار داشتند، هر چند که آن ادله در شمار سست‌ترین ادله باشد، باز هم از بیان آن مضایقه نمی‌کردند. شاید به دلیل وجود همین چالش هاست که برخی عالمان اهل سنت نیز، با وجود تعصبی که نسبت به خلیفه اول دارند، آن را نپذیرفته و عمومیت آیه را ترجیح داده‌اند (خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱۳، ص ۲۷۵) یا اینکه صرفاً آن را به عنوان نظری محتمل در کنار دیگر نظریه‌ها مطرح کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۰۷).

پنجم. ابن عاشور نیز «الانسان» در آیه مورد بحث را اسمی عام می‌داند که مراد از آن نه همه مردم، بلکه خصوص افرادی است که علاوه بر ارسال رسولان برای آنها، ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند. او به عنوان مؤیدی بر نظر خود، به تناسب داشتن این معنا با سیاق آیه شانزدهم احقاف اشاره می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۲۵). این سخن به خوبی نشان می‌دهد که این افراد، اهل عمل صالح بوده و در زمره بهشتیان قرار دارند (عاملی، ۱۳۶۰ش، ج ۷، ص ۵۲۸). این نظر، در مقایسه با نظرات پیشین، قابل قبول‌تر به نظر می‌رسد، ولی باز هم نمی‌توان آن را به صورت مطلق پذیرفت؛ چون دیگر ویژگی‌های مذکور در آیه، به ویژه حمل و فصال در سی ماه، و حمل و وضع با کراهت را نمی‌توان در مورد همه آنها - حتی اگر در زمره بهشتیان باشند - صادق دانست.

۵- بررسی نزول آیه درباره امام حسین علیه السلام

در بیان همه کسانی که معتقد به خاص بودن سیاق آیه مورد بحث هستند، تفسیری دیگر نیز آمده است که نزول آیه را در مورد امام حسین علیه السلام ثابت می‌داند. (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۱۴۱)

مهمترین ادله و مستند این دیدگاه، روایات و نقل‌های فراوانی است که در تفاسیر، مجامیع و منابع روایی شیعه ذکر شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۴ و ۴۶۵؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۵۷ و ۵۶؛ قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۲۹۷؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۶۶۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۵۰). بنابراین ضروری می‌نماید قبل از هرچیز به این مهم پرداخته شود. اینک در ادامه جهت رعایت اختصار، نمونه‌ای از این روایات از کتاب شریف کافی، از نظر سندی و دلالتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ وَالْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام بِالْحُسَيْنِ، جَاءَ جَبْرِئِيلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه وآله فَقَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ عليها السلام سَتَلِدُ غُلَامًا تُقْتَلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ. فَلَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَيْنِ عليه السلام كَرِهَتْ حَمْلَهُ. وَحِينَ وَضَعَتْهُ كَرِهَتْ وَضَعَهُ. ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَمْ تُرْفِي الدُّنْيَا أُمَّ تَلِدُ غُلَامًا تَكْرَهُهُ وَ لَكِنَّهَا كَرِهَتْهُ لِمَا عَلِمَتْ أَنَّهُ سَيُقْتَلُ. قَالَ: وَفِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۴۶۴).

سند این روایت قابل تفکیک به دو صورت زیر است:

- ۱- «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام»
- ۲- «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام»

بررسی راویان آن به صورت مختصر از نظر خواهد گذشت:

الف) «محمد بن یحیی»، ملقب به عطار قمی از جمله راویان موثقی است که نجاشی

وی را با الفاظی همچون «شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقۀ، عین، کثیر الحدیث» ستوده است. همچنین او کتب متعددی دارد که «مقتل الحسین علیه السلام»، و «کتاب النوادر» از جمله آنها است. (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۳۵۳)

ب) «احمد بن محمد»: توجه به مروی عنه و راوی وی در سلسله سند نشان می‌دهد که مراد از وی، «احمد بن محمد بن عیسی اشعری» است که دارای توثیقات فراوانی همچون «شیخ قمیان و از جمله چهره‌های سرشناس و فقیه آنان» است. (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۸۲؛ طوسی، بی تا، «ب»، ص ۲۵).

ج) الوشاء: حسن بن علی بن زیاد الوشاء نیز یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام و از جمله چهره‌های سرشناس طایفه شیعه بوده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۳۹؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ ق، ص ۴۱)

د) حسین بن محمد: این راوی نیز یکی از مشایخ کلینی است (خویی، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۸۳) که مورد توثیق علمای رجال قرار گرفته است. (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۶۶؛ حلی، ۱۴۰۲ ق، ص ۵۲)

ه) معلی بن محمد: نجاشی این راوی را «مضطرب الحدیث و المذهب» معرفی کرده ولی کتابهای او را تایید کرده است. ابن غضائری نیز در مورد وی بیان می‌کند که «یعرف حدیثه و ینکر»، او از جمله کسانی بوده که از ضعف روایت می‌کرده ولی می‌توان به روایاتش به عنوان شاهد استناد کرد. (ابن غضائری، ۱۴۲۲ ق، ص ۹۶).

و) احمد بن عائد: نام کامل وی، احمد بن عائد بن حبیب الأحمسی البجلی بوده که با اوصافی همچون «صالح» (کشی، ۱۴۰۴ ق، ۶۵۳/۲) و «ثقه» مورد توثیق قرار گرفته است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۹۸؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ ق، ص ۱۸)

ز) ابو خدیجه: نام دیگر وی سالم بن مکرم است که همچون راوی قبل با الفاظی همچون «صالح» (کشی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۶۴۱) و «ثقه ثقۀ» توثیق شده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۱۸)

چنانکه مشخص است، رجال موجود در طریق اول این روایت، همگی از جمله اکابر و اعظم شیعه بوده‌اند و صحت آن مسلم است. در سند دوم نیز «معلی بن محمد» تنها راوی است که در مورد دلالت وصف «مضطرب الحدیث و المذهب» بر ضعف یا وثاقت وی، اختلاف نظر وجود دارد. باید دانست که علی‌رغم برخی، دسته‌ای از عالمان رجالی

این عبارت نجاشی را منافی وثاقت او ندانسته و روایات او را به دیده قبول می‌نگرند؛ چون معتقدند اولاً اضطراب در مذهب وی ثابت نیست و حتی در صورت ثبوت نیز، این مسأله، وثاقت وی را نفی نمی‌کند، ثانیاً معنای مضطرب الحدیث آن است که گاهی روایاتی نقل می‌کرده که مورد پذیرش قرار می‌گرفته و گاهی نیز راوی مطالبی بوده که مردم آن را قبول نمی‌کرده‌اند؛ و به هر حال این مسأله را نمی‌توان مخلاً وثاقت او دانست. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۹، ص ۲۸۰). قرارگرفتن این راوی در جمله مشایخ اجازه، دلیل دیگری است که باعث شده وجود این راوی در سند حدیث، ضرری به صحت آن وارد نکند. (مجلسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۲۴؛ مامقانی، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۳). علاوه بر این علامه مجلسی ضمن اشاره به جلالت قدر این راوی، اعتماد مشایخ عظام بر وی و صحیح شمردن طریق او بیان می‌کند: «و لم نطلع علی خبر یدل علی اضطرابه فی الحدیث و المذهب کما ذکره بعض الأصحاب». (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۲۸۰)

بنابراین می‌توان گفت که این طریق از روایت مورد بحث نیز بنا بر پذیرش مبانی این دسته از عالمان رجالی صحیح است؛ هرچند عدم پذیرش آن نیز، آسیبی به صحت سند این روایت وارد نمی‌کند؛ چون صحت طریق اول، باعث تقویت آن می‌گردد.

از نظر دلالتی در اکثر این روایات به روشنی بر نزول آیه در مورد تولد امام حسین علیه السلام تصریح شده و عباراتی دلیل بر آن است مانند: «فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ ذَلِكَ هَذِهِ الْآيَةَ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۵۶) یا: «وَفِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ». (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۵۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۴). بنابراین قول برخی از مفسران را نمی‌توان قابل پذیرش دانست که این روایات را بیان مصداق و چنین تفسیری از آیه را از نوع تطبیق معرفی می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۲۰۸؛ طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۱۲، ص ۱۴۴). با این وجود، اثبات بیشتر این مسأله نیازمند آن است که ظواهر الفاظ آیه نیز، آن را برتابد. از این رو در ادامه، به واکاوی بیشتر این دیدگاه و مؤیدات و اشکالات پیرامون آن پرداخته می‌شود.

۵-۱. مؤیدات دیگر

علاوه بر روایات صحیح و کثیرالنقل مربوط به نزول این آیه درباره امام حسین علیه السلام وجود

موارد زیر این دیدگاه را بیش از پیش تقویت و تأکید می‌نماید:

۵-۱-۱. مطابقت با معنای لغوی واژه «کره»

با پذیرش اختصاص آیه مورد نظر به امام حسین علیه السلام، معنای واژه «کره» در آن، بر خلاف دیدگاه مشهور، همچون دیگر استعمالات قرآنی آن، مطابق با معنای اصل لغوی آن، یعنی «کراهت و ناخوش داشتن» خواهد بود. به این ترتیب، عبارت «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا» بیان می‌کند که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به دلیل اخبار وحی از کشته شدن فرزندشان در قضیه عاشورا، وی را در حالت کراهت و ناخوشی حمل و وضع نمودند. چون همان گونه که امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند، هیچ مادری نیست که به داشتن فرزند پسر [به ویژه با توجه به شرایط عصر نزول و مباحثات عرب بر داشتن فرزند ذکور]، بشارتش دهند و او ناراحت شود و فرزندش را با کراهت و ناراحتی حمل کند. (قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۲۹۷). این مسئله در همه زمان‌ها صادق است.

۵-۱-۲. موافقت با سیاق آیه

بر اساس روایات کثیرالنقلی که به تواتر معنوی رسیده (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۱۴۵)، مدت حمل امام حسین علیه السلام همچون عیسی بن مریم علیها السلام شش ماه بوده است. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۴۶۴؛ طوسی، ۱۴۱۶ ق، ص ۶۶۱؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۲۰۶؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۲۵۸). از طرفی تأمل در سیره حضرت زهرا علیها السلام نشان می‌دهد که ایشان همچون پدر و همسر بزرگوارشان علیها السلام اجراکننده محض دستورات الهی بوده‌اند. لذا با توجه به امر موجود در آیه ۲۳۳ بقره مبنی بر دو سال شیردهی کامل، مسلماً این مدت را در مورد امام حسین علیه السلام نیز تکمیل کرده‌اند؛ چنانکه در برخی روایات نیز به این مسأله اشاره شده است؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حُمِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَأُضِيعَ سِتِّينَ...» (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۶۶۱). بنابراین، مدت حمل و شیردهی ایشان سی ماه خواهد بود.

علاوه بر این، وجود حرف «فی» در عبارت «وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» نشان می‌دهد که این درخواست و بالتبع، استجاب آن مربوط به همه فرزندان و ذریه آن فرد خاص نبوده

است؛ چون اگر چنین بود عبارت «اصلح لی ذریتی» ذکر می‌شد که همه ذریه را شامل شود؛ دعایی که امکان استجاب آن از نظر عقلی و در واقع وجود نداشته و پذیرش اینکه همه ذریه و فرزندان انسان تا روز قیامت صالح باشند، دشوار می‌نماید. (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۷، ص ۳۸). بر اساس این دیدگاه، چنانکه امام علیه السلام نیز اشاره می‌کند، اگر حرف «فی» در این دعا ذکر نمی‌شد، همه ذریه امام حسین علیه السلام به مقام امامت می‌رسیدند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۴)؛ حال آنکه با بیان این دعا توسط ایشان علیه السلام امامت و وصایت به برخی از فرزندان ایشان یعنی ائمه اطهار علیهم السلام منتقل شده است.

۳-۱-۵. موافقت با سیاق سوره

یکی دیگر از مؤیدات دیدگاه مذکور، موافقت آن با سیاق سوره احقاف است. در این سوره پس از بیان برخی اصول توحیدی، وحی و نبوت در آیات ۱-۶، به بیان کلی دو گروه مقابل هم پرداخته شده است. (آیات ۷-۱۴)؛ گروهی که در برابر وحی خاضع‌اند و گروهی که با کفر و استکبار با آن برخورد می‌کنند. سپس در آیات ۱۵ تا ۱۶ به عنوان نمونه‌ای از گروه اول، به امام حسین علیه السلام و پس از آن در آیه ۱۷ و ۱۸ به نمونه‌ای از افراد خاسر گروه دوم اشاره شده که بنا به قولی «عبدالرحمن بن ابی بکر» است. (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۴)؛ هر چند اثبات این امر نیز مجالی دیگر را می‌طلبد و از عهده این پژوهش خارج است. در نهایت نیز بیان شده که: «برای هر یک از آنها بر حسب آنچه کرده‌اند درجاتی است...» (احقاف: ۱۹)

۲-۵. چالش‌ها

علی‌رغم مؤیدات یادشده در مورد پذیرش این دیدگاه، اشکالاتی در مورد آن مطرح است که در ادامه به بیان و بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۵. عام بودن سیاق آیات

سیاق آیات این سوره عام است و با نزول این آیه در خصوص امام حسین علیه السلام مغایرت دارد. در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت که تدبیر در آیه ۱۶ احقاف، نشان می‌دهد که اسم اشاره «اولئک» در آن، نمی‌تواند همه انسانها را در برگیرد؛ زیرا خداوند

در مورد آنها وعده می‌دهد که «احسن اعمالشان» را پذیرفته و از «سیئاتشان در زمره اهل بهشت» می‌گذرد. بنابراین آنان قطعاً در زمره برترین مخلوقات اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۱۹) بر اساس این دیدگاه نیز مرجع این اسم اشاره، امام حسین و ذریه مورد دعا در آیه قبل، خواهند بود که در افضلیت آنها تردیدی وجود ندارد.

۲-۲-۵. مغایرت سن امامت امام حسین (ع) با «اربعین سنه»

چگونگی تطبیق فراز «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» بر وقایع زندگی امام حسین (ع) اشکال دیگر بر این نظر است؛ چرا که امامت ایشان در حدود سن ۴۷ سالگی واقع شده است. در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت: این عبارت فقط به بیان دعا در سن چهل سالگی اشاره کرده و آن را مقید به واقعه خاصی نمی‌کند. بنابراین با توجه به زمان امامت امام حسین (ع)، چه بسا ایشان این دعا را قبل از امامت یعنی در چهل سالگی بیان کرده باشند و ضرورتی وجود ندارد که بخواهیم آن را مصادف با امامت ایشان بدانیم. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۶۴). در نهایت، بر مبنای این دیدگاه، می‌توان گفت: بر اساس ظواهر الفاظ آیه، زمانی که امام حسین به مرحله «أَشُدَّهُ» رسیدند، یعنی مرحله‌ای که به ایشان علم و حکمت داده شده؛ «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» (یوسف: ۲۲) و در سن چهل سالگی، به بیان دعای فوق الذکر پرداختند که در نتیجه استجاب آن، امامت در ایشان و برخی فرزندان ایشان (ع) قرار داده شد.

۲-۲-۵. مغایرت مکی بودن سوره با محل ولادت امام حسین (ع)

مکی بودن سوره احقاف و تولد امام حسین (ع) در مدینه و در نتیجه عدم پذیرش نزول این آیه در مورد ایشان، چالش دیگری بر سر قبول این دیدگاه است. در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت: برخی مفسران همچون علامه طباطبایی در موارد عدیده با توجه به صحت مضمون آیات و دلالت سیاق، درباره مکی و مدنی بودن آیه، حکمی بر خلاف نظر مشهور را بیان نموده‌اند. (برای نمونه ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۵ و ج ۶، ص ۷ و ص ۱۳). این آیه را نیز می‌توان از جمله آیاتی دانست که در مدینه نازل شده و بنا بر حکمتی توسط پیامبر (ص) در میان آیات مکی سوره احقاف قرار داده شده است.

نتیجه

آیه پانزدهم سوره احقاف، از جمله آیاتی است که بیش از هر چیز، در جهت اثبات شش ماه بودن اقل مدت حمل، مورد توجه اغلب مفسران قرار گرفته است. با این وجود، از مجموع پژوهش حاضر مشخص شد که به دلیل وجود چالش‌هایی چند پیرامون این دیدگاه مشهور که بر عام بودن واژه «الانسان» در آن مبتنی است، پذیرش آن به راحتی امکان‌پذیر نیست.

از طرفی برخی مفسران آیه را خاص می‌دانند و افرادی همچون پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ابوبکر یا سعد بن ابی وقاص را به عنوان مراد آیه دانسته‌اند که به بطلان این اقوال اشاره شد. در مورد نزول آیه در مورد امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام چنین به نظر می‌رسد که علاوه بر کثرت نقل و صحت مستند روایی این دیدگاه، به دلیل وجود موارد مختلفی همچون مطابقت این دیدگاه با معنای لغوی واژه «کره»، موافقت با سیاق آیه، آیات و سوره احقاف، این دیدگاه نه تنها بر خلاف دیدگاه‌های پیشین، با ظواهر الفاظ آیه مورد بحث موافق است و نیازی به توجیه و تأویل ندارد، بلکه حتی قابل قبول‌تر نیز می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت که این آیه، در مدینه نازل شده و به رویدادهای مربوط به ولادت و زندگی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام اشاره می‌کند.

فهرست منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش / ۱۹۶۶م)، *علل الشرائع*، چاپ اول، قم، کتاب فروشی داوری
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابي طالب (ع)* (لابن شهر آشوب)، چاپ اول، قم، علامه
- ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، *الرجال (ابن الغضائری)*، چاپ ۱، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر
- ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، *کامل الزیارات*، چاپ اول، نجف اشرف، دار المرتضویة
- ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)*، چاپ ۳، عربستان، مکتبه نزار مصطفی الباز
- ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، چاپ ۱، لبنان - بیروت، دار الکتاب العربی
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، چاپ ۱، لبنان - بیروت، مؤسسه التاريخ العربی
- ابن عطیه، عبد الحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، چاپ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)*، چاپ ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، چاپ ۱، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی
- ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، چاپ ۱، لبنان - بیروت، دار الفکر - لبنان - بیروت
- استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، چاپ ۱، قم، مؤسسه النشر الإسلامی اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳ش)، *تفسیر شریف لاهیجی*، چاپ ۱، تهران، دفتر نشر داد
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، چاپ ۱، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ ۱، قم، موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، چاپ ۱، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان المعروف بتفسیر الثعلبی*، چاپ ۱، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی

جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۸ق)، **جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)**، چاپ ۱، تهران، دانشگاه تهران

حائری طهرانی، علی (۱۳۳۸ش)، **مقتنیات الدرر**، چاپ ۱، تهران، دارالکتب الإسلامية
 حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا)، **تفسیر روح البیان**، چاپ ۱، لبنان - بیروت، دارالفکر
 حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، **تفسیر نور الثقلین**، چاپ ۴، قم، اسماعیلیان
 خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق)، **التفسیر القرآنی للقرآن**، چاپ ۱، لبنان - بیروت، دارالفکر العربی
 خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة**، چاپ ۵، بی جا، بی نا
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات ألفاظ القرآن**، چاپ ۱، بیروت - دمشق، دارالشامیة
 رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله (۱۴۲۹ق)، **رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز**، چاپ ۱، عربستان، مکتبة
 الأُسدي

زحیلی، وهبه (۱۴۲۲ق)، **التفسیر الوسیط (زحیلی)**، چاپ ۱، سوریه - دمشق، دارالفکر
 زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**،
 چاپ ۳، بیروت، دارالكتاب العربي

سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، **تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم**، چاپ ۱، لبنان - بیروت، دار
 الفكر

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۲۰۰۷م)، **الاکلیل فی استنباط التنزیل**، چاپ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیة،
 منشورات محمدعلی بیضون

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، **الدر المشورفی التفسیر بالماثور**، چاپ ۱، قم، کتابخانه عمومی حضرت
 آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ش)، **تفسیر اثنی عشری**، چاپ ۱، تهران، میقات
 صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه**، چاپ ۲، قم، فرهنگ اسلامی
 صفوی، سید محمد رضا (۱۳۸۹)، «پژوهش درباره اقل مدت حمل در قرآن»، **مجله بینات**، شماره ۶۷،
 ص ۷۴-۵۷

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ ۲، لبنان - بیروت، مؤسسه الأعلمی
 للمطبوعات

طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، **التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)**، چاپ ۱، اردن - اربد، دار
 الكتاب الثقافی

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، **مجمع البحرین**، چاپ ۳، تهران، مرتضوی
 طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، **الأمالی (للطوسی)**، چاپ ۱، قم، دارالثقافة

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، «الف»، **التبیان فی تفسیر القرآن**، چاپ ۱، لبنان - بیروت، داراحیاء التراث العربی
 طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، «ب»، **الفهرست (طوسی)**، چاپ ۱، عراق، نجف اشرف، مکتبة المرتضویة

- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ ۲، تهران، اسلام
 عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ش)، *تفسیر عاملی*، چاپ ۱، تهران، کتابفروشی صدوق
 علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق)، *رجال العلامة الحلی*، چاپ ۲، قم، الشریف الرضی
 فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، چاپ ۳، لبنان - بیروت، دار إحياء
 التراث العربی
 فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، چاپ ۲، قم، موسسه دار الهجرة
 قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، *تفسیر نور*، چاپ ۱، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن،
 قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، چاپ ۶، تهران، دار الکتب الاسلامیه
 قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، چاپ ۳، قم، دار الکتب
 کشی، محمدبن عمر (۱۴۰۴ق)، *اختیار معرفة الرجال*، چاپ ۱، قم، موسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث
 کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی (ط - الإسلامية)*، چاپ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامية
 مامقانی، عبدالله (بی تا)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، چاپ ۱، بی جا، بی نا
 مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، چاپ ۲، تهران، دار الکتب
 الإسلامیه
 مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۵ق)، *الوجیزه فی علم الرجال*، چاپ ۱، لبنان - بیروت، موسسه الاعلمی
 للمطبوعات
 مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه (ط - القدیمه)*، چاپ ۲،
 قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور
 محلی، محمدبن احمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر الجلالین*، چاپ ۱، لبنان - بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات
 مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، چاپ ۱، تهران، دار محبی الحسین
 مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸ش)، *ترجمه تفسیر کاشف*، چاپ ۱، قم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات
 اسلامی حوزه علمیه قم)
 مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، چاپ ۱، قم، کنگره شیخ مفید
 مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، چاپ ۱۰، تهران، دار الکتب الإسلامیه
 نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، *رجال النجاشی*، چاپ ۶، قم، جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم،
 مؤسسه النشر الإسلامی
 واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ق)، *الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز (واحدی)*، چاپ ۱، لبنان - بیروت، دار
 القلم